

یادداشت

تکاپوی ترکیه برای بهبود روابط با سوریه

علی مهتدی

در یادداشت‌های قبلی پیرامون تغییر سیاست ترکیه و چند کشور عرب در خلیج فارس در قبال سوریه و ابراز علاقه آقای رجب طیب اردوغان، رئیس جمهوری ترکیه به ازسرگیری روابط دوستانه با سوریه و علل و دلایل این تغییر سیاست از جمله پیروزی‌های منطقه‌ای محور مقاومت، چراغ سبز آمریکا و فشار چین و روسیه مطالبی به رشته تحریر در آمد. اما مورد ترکیه، علاوه بر علل یاد شده، دلایل خاص خود را دارد که پرداختن به آنها حائز اهمیت است.از دیدگاه نویسنده، مهمترین علت تغییر این سیاست، شکست و ناکامی شخص آقای اردوغان در احیای امپراتوری عثمانی تحت عنوان «نوعثمانی گرانی» پس از خیزش‌های مردمی در تونس و مصر و برخی دیگر کشورهای عرب در سال ۲۰۱۱ است.

یادآوری کنیم که قبل از آن تاریخ روابط دو کشور بر اساس موافقتنامه امنیتی ادانا که در اکتبر ۱۹۹۸ به امضا رسیده بود، در همه زمینه‌ها مخصوص برای اقتصاد ترکیه، در شرایط بسیار عالی قرار داشت. تولیدات ترکیه بویژه در زمینه منسوجات و میلانهای خانگی و لوازم اداری بازار سوریه را تسخیر کرده بود بطوریکه تولید کنندگان سوری بارای رقابت با تولیدات ترکیه را نداشتند. در همین حال، کامیون‌های حامل صادرات ترکیه پس از عبور از خاک سوریه و اردن به کویت، عربستان و دیگر کشورهای ساحل جنوبی خلیج فارس رسیده بازارهای آنها را در طعمی‌شان خیزش‌ها از چه راهی باید وارد شود.فقدان تومهی از منافع عمومی برای ترکیه و حزب حاکم عدالت و توسعه پدید آورد که شرایط قبلی در روابط با سوریه را تحت الشعاع قرار داد و آن را بی ارزش جلوه داد. توضیح اینکه خیزش‌های مردمی در تونس و مصر که کاملاً خودجوش و بدون رهبر بود همه را غافلگیر کرد. ایالات متحده آمریکا نمی‌دانست برای شناسناختن و نحوه تعامل با این خیزش‌ها از چه راهی باید وارد شود.فقدان شخصیت‌های رهبری در این خیزش‌ها باعث شد که برخی از جامعه شناسان از چیزی به نام «رهبری جمعی» (Collective Leadership) سخن به میان آورند. در اینجا بود که آقای اردوغان به دولت باراک اوباما توصیه کرد که تنها نیروهای منسجم و دارای تشکیلات در تونس و مصر اخوان المسلمین هستند و برای کنترل این خیزش‌ها باید زمام امور را به آنها سپرد. این پیشنهاد مورد قبول دولت اوباما قرار گرفت و پس از آن بود که اخوانی‌ها وارد صحنه شدند. این در حالیست که اخوان المسلمین در مصر هیچ نقشی در خیزش مردمی نداشتند بلکه برعکس، آنها در دوره مرشدی مرحوم عمر تلمسانی یا حسنی مبارک، رئیس جمهوری وقت مصر، به عنوان «ولی امر» بیعت کرده بودند و خروج بر ولی امر را حتی اگر جائز باشد، شرعاً جایز نمی‌دانستند. پس از تسلیم زمام امور به اخوان المسلمین، آقای اردوغان به چند کشور از جمله مصر و تونس سفر کرد و به نوعی به مسئولان اخوان فهماند که روی کار آمدن آنها مروهن ابتکار عمل و با آمریکا بوده و ازاین پس آنها باید با حزب اخوانی عدالت و توسعه ترکیه هماهنگ باشند. این سخن با واکنش شدید اخوان روبه رو شد و در قاهره مرحوم دکتر عصام العریان، عضو دفتر ارشاد و رئیس کمیته سیاسی اخوان المسلمین پاسخ داد که اخوان المسلمین مصر مادر تشکیلات اخوانی است و اخوانی‌ها در سایر کشورها باید با اخوان مصر خود را هماهنگ کنند. آقای راشد الغنوشی رهبر حزب النبهه تونس نیز واکنش مشابهی به آقای اردوغان نشان داد. با اینهمه، دیدیم که ازتشن مصر با اشاره آمریکا وارد صحنه شد و با بازداشت محمد مرسی، و قتل عام میدان رابعه عدویه، به حضور سیاسی اخوان المسلمین پایان داد. هرچند در پی بازخوانی وقایع تاریخی نسیستم ولی در این یادداشت بناچار به پاره‌ای از رویدادهای که به موضوع یادداشت مربوط می‌شود اشاره می‌کنیم. در ۲۰۱۱ و بعد از آن تلاش گسترده‌ای برای انتقال خیزش‌های مردمی موسوم به بهار عربی، به سوریه صورت گرفت که نقش اصلی را ترکیه و قطر بازی کردند. این طرح در نهایت به شکست انجامید و پس از واقعه شهر کوپانی (عین العرب) ارتش ترکیه وارد شملال غرب سوریه شد. در آن سال‌ها جنگناهی بطور غیر رسمی از سوی آقای اردوغان ششیده می‌شد که در پیمان لوزان (۱۹۲۳) با اینهمه، دیدیم که قبل باید شهرهای حلب، موصل و اربیل به خاک ترکیه بازگردانده شود. ترکیه که قبل به فکر نوعثمانی گری افتاد و ازروهای بلند پروازانه‌ای برای نفوذ در غرب آسیا و تسلط بر راههای تجاری و انتقال انرژی در شرق مدیترانه را در محلیله خود جای داد. نتیجه اینکه، شکست این طرح‌ها در سال‌های اخیر، مهمترین عامل بازگشت ترکیه به روابطش با بسوریه در شرایط قبل از سال ۲۰۱۰ است. به این عامل اصلی باید عوامل دیگری را نیز اضافه کنیم مانند شکست حزب عدالت و توسعه در انتخابات اخیر شهرداری‌ها و پیشروی احزاب مخالف و نیز مشکلات اقتصادی و کاهش مداوم ارزش لیر ترکیه و تحولات فرهنگی و اجتماعی در داخل، واقعیت این است که هردو کشور ترکیه و سوریه در شرایطی قرار گرفته‌اند که به تجدید روابط و بازگشت به موافقتنامه ادانا نیاز دارند. اما شرط مهم سوریه این است که قبل از هر دیداری بین سران دو کشور، ترکیه باید ارتش خود از شمال سوریه را فرا خواند. شرط مهم ترکیه نیز حل و فصل نیروهای کرد جدایی خواه در شرق فرات و بازگشت آنها به حاکمیت دمشق است تا از تاثیرات منفی وضعیت کنونی آنها بر مناطق کر نشینین در دیاربکر ترکیه جلوگیری شود. با توجه به اراده دو طرف، به نظر می‌رسد که این مشکلات در آینده حل خواهد شد و دو کشور روابط خوبی را از سر خواهند گرفت.

ایستر اتزیک

پولیتیکو بررسی کرد

سیاست خارجی «هریس»

تازنمای پولیتیکو با اشاره به تحولات آمریکا به دنبال کناره گیری جو بایدن از رقابت‌های انتخاباتی و حمایت او از کاملا هریس معاونش در انتخابات، پیش بینی کرد که در بیشتر حوزه‌های سیاست خارجی هریس احتمالاً دنبال رو اهداف سیاست خارجی بایدن خواهد بود. اگر هریس در انتخابات نوامبر (آبان) پیروز شود، با پیشینه‌ای از سیاست خارجی که در دوران سناتوروی اش در دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ و جایگاه او به عنوان نفر دوم در یکی از باتجربه ترین روسای جمهوری در عرصه مسائل بین‌المللی تاریخ آمریکا مشخص شده است، وارد کاخ سفید خواهد شد. دولت هریس احتمالاً قویاً از تلاش‌های جنگی اوکراین حمایت خواهد کرد و به طرح‌های آمریکا برای تعمیق اتصالات در منطقه آسیا اقیانوسیه در مواجهه با قدرت ژئوپلیتیکی چین ادامه خواهد داد. همچنین وی همچنان احتمالاً حمایتی قوی از (ارزیرم) اسرائیل و دیگر متحدانش در خاورمیانه به عمل خواهد آورد. اما در رابطه با جنگ رژیم اسرائیل سا حواس در غزه، هریس ابراز همدردی عمیق تری با درد و رنج فلسطینی‌ها داشته است و این موضع او می‌تواند رضایت رای دهندگان آمریکایی عرب تبار و رای دهندگان دیگر ناراضی از حمایت بایدن از تلاش‌های جنگی تل آویو را جلب کند.

«لی لی گرینبرگ کال» به دستیار ویژه رئیس ستاد کارکنان وزارت کشور که به دلیل مخالفتش با حمایت ترلزول نایدیزر بایسدن از راهبرد جنگی رژیم صهیونیستی بعد از یکسال خدمت استعفا داد درباره هریس گفت تجربه شخصی اش در همکاری با وی نشان می‌دهد که ریاست جمهوری هریس می‌تواند امیدوار کننده باشد. وی گفت هریس ممکن است به نظر اکثریت رای دهندگان گوش دهد و از همه طرف‌های دولت ازجمله توقف انتقال سلاح‌های تهاجمی برای کمک به آتش بس و تبادل اسرا استفاده کند. وی قبل از این که سناتور شود بیشتر دوران خود را به عنوان مقام مجری قانون خدمت می‌کرد و با تجربه کمی در حوزه سیاست خارجی به عنوان معاون بایدن انتخاب شد.

این امر وی را به مشاوران متکی کرد که به گفته جیم تاونسند مقام سابق پنتاگون و ناؤ اکثریت سنت گرو بودند. با این وجود سابقه او به عنوان سناتور و معاون رئیس جمهوری که با کناره گیری بایدن در کانون توجهات قرار گرفته است، مواجعه او با چالش‌های ژئوپلیتیکی ممکن است متفاوت باشد و تلاش محافظ داخلی حزب دموکرات برای تکمیل کمبدهای او را نشان می‌دهد.

هریس در گردهمایی‌های جهانی در کنار بایدن حاضر شده است. وی در

«علی واعظ» مدیر پروژه ایران در گروه بین‌المللی بحران و استاد دانشگاه جورج تاون در مطلبی در نشریه فارین پالیسی نوشت:تونس: در میان شگفتی بسیاری از ناظران، یک کاندیدای نسبتاً گمنام توانسته در انتخابات ریاست جمهوری ایران به پیروزی برسد. مسعود پزشکیان، به عنوان نماینده مجلس و وزیر سابق بهداشت در خارج از مرزهای ایران چندان شناخته شده نیست و در داخل نیز سیاستمدار خاصی محسوب نمی‌شود.

پیروزی غیرمنتظره کاندیدای مورد تأیید اصلاح طلبان برای اولین بار از سال ۲۰۰۱ بیش از آنکه پاسخی بر سوالات شکل گرفته در اذهان باشد علامت سوال‌های بیشتری را درباره میزان اختیارات و رویکرد وی در قبال مناقشه هسته‌ای با غرب و همچنین توانایی پزشکیان برای هدایت کشور در وضعیت شکننده منطقه‌ای ایجاد کرده است. با توجه به انتقادات وی از غیلتعهد‌های فعلی، انتخاب پزشکیان تعجب بسیاری از ناظرانسی را برانگیخته که معتقد بودند بعید است حاکمیت از مسیر انتخاب شده توسط محافظه کارترین عناصر خود که در سال‌های اخیر بیش از پیش به سمت تثبیت قدرت پیش رفته، عدول نماید.

اما گمانه زنی‌ها درباره اینکه ایران از این نقطه به چه سمتی خواهد رفت، بر سوالات در خصوص اینکه چگونه ایران به این نقطه رسید سایه افکنده است. برخی در غرب احتمالاً تصویری مشابه سایر روسای جمهور اصلاح طلب از پزشکیان ترسیم خواهد کرد؛ یعنی گرگی در لباس میش و یک چهره بیرونی معنل‌تر از حکومتی که بلندپروازی‌های هسته‌ای و منطقه‌ای اش تغییر ی نکرده است.

برخی دیگر ممکن است وی را به عنوان منجی‌ای ببینند که قرار است ایران را از مخمصه‌های اجتماعی اقتصادی برهاند و در قبال ارائه امتیاز، از سد تحریم‌های غربی عبور نماید. کدام از این دو سناریو محتمل‌تر است؟

چند عامل می‌تواند به ما در پیش بینی مسیر آینده کمک کند. اولین عامل به ماهیت سیاست در ایران مربوط می‌شود. روسای جمهوری دارای قدرت چندان بالایی نیستند و باید با مراکز مختلف برخوردار از اختیار و نفوذ آشکار و پنهان به رقابت بپردازند. اما در عین حال رئیس جمهور در ایران مقامی کاملاً مسلط‌ال اختیار هم نیست. مقایسه سبک و ماهیت عملکرد حسن روحانی که توانست توافق هسته‌ای را با قدرت‌های جهانی به نتیجه برساند، با ابراهیم رئیسی که نتوانست برجام را احیا

گروه دیپلماسی – علی ودایع:
نشست هفتگی سخنگوی وزارت امور خارجه ظهر دیرروز و همزمان با نشست دستنوردای دستگاه دیپلماسی برگزار شد.
در این نشست معاونان وزارت امور خارجه از جمله «علیرضا بیکدلی» معاون کنسولی، مجلس و امور ایرانیان وزارت خارجه، «مهدی صفری» معاون دیپلماسی اقتصادی و «رضا نجفی» معاون حقوقی و بین‌المللی وزارت خارجه برای ارائه گزارش عملکرد خود حضور داشتند.

«ناصر کنعانی» تصریح کرد: دیپلماسی عمومی جزو جدایی‌ناپذیر دستگاه دیپلماسی است و به ویژه در این دولت نگاه ویژه‌ای به این مسأله داشتیم و گام‌های قابل توجهی به برداشته‌ایم.
نفس توجیه به دیپلماسی عمومی یک اصل انکارناپذیر در وزارت امور خارجه می‌باشد و در نمایندگی‌های ما نیز محلل توجه جدی است.
وی گفت: نمایندگی‌های ما دیپلماسی عمومی را یک امر تشریفاتی و تزئینی نمی‌بینند و آن را مورد توجه جدی قرار می‌دهند و برنامه‌های سه‌سالیه دیپلماسی عمومی را با مشورت مرکز تدوین می‌کنند.

فانر پالیسی بررسی کرد

گرمای پیروزی پزشکیان و یخ روابط ایران با آمریکا



کند به خوبی موید این مطلب است.

ثانیاً، رئیس جمهور جدید دارای یک مزیت و یک نقطه ضعف منحصر به فرد است. او از دادن وعده‌های مشخص در جریان کارزار انتخاباتی اش خودداری کرده و در عوض بر رویکرد حکمرانی خود تمرکز نموده است. پزشکیان همچنین بر محدودیت‌هایی که یک رئیس جمهور ممکن است با آن مواجه شود اذعان کرده است. با نشان دادن یک شخصیت نه چندان چالش برانگیز برای نظام و مهار انتظارات اجتماعی او برای خود فضای مانور ایجاد کرده است. ثالثاً، آنچه پزشکیان می‌تواند در سیاست خارجی عاید خود بسازد بیشتر در اختیار عناصری خارج از کنترل اوست تا در اختیار توانایی و تمایل شخص وی جهت تعامل با دشمنان ایران و به خصوص ایالات متحده. در این میان تعیین‌کننده‌ترین عامل نتیجه انتخابات آمریکا خواهد بود.

بر خلاف رئیس جمهور فقید، رئیسی که دولتش عمدتاً روابط با غرب را رد می‌کرد، پزشکیان وعده برقراری توازن میان روابط با غرب و قدرت‌های غیرغربی به ویژه روسیه، چین را داده است. اما دیپلمات‌های با تجربه‌ای که احتمالاً در دولت پزشکیان به دننه دولت باز خواهند گشت، از اینکه دولت بایدن در ماه‌های پایانی دولت حسن روحانی در احیای برجام تعلل کرد ابراز ناامیدی کرده اند.

بازگشت مجدد ترامپ به کاخ سفید چالش بزرگتری تلقی می‌شود. با توجه به گله مندی مشاوران وی مبنی بر اینکه بایدن اجرای سختگیرانه تحریم‌های ایران را تضعیف کرده و این‌ا اعتقاد دیرینه خود

سخنگوی وزارت امور خارجه تاکید کرد

بی‌اعتنایی تهران به تغییرات در کاخ سفید



استفاده از ظرفیت ایرانیان خارج از کشور و رسانه‌های داخلی و خارجی از موارد و ابزاری‌هایی است که در قالب دیپلماسی عمومی مورد اهتمام وزارت امور خارجه است.

سخنگوی دستگاه دیپلماسی گفت:اینکه مسأله فلسطین تبدیل به مهمترین مسأله انسانی، حقوق بشری و انسانی مورد توجه کشورهای مختلف جهان است محصول استفاده مناسب کشورمان از ظرفیت دیپلماسی عمومی است. اینکه ما برای بحران در منطقه شوه. سخنگوی وزارت امور خارجه بیان کرد: آمد و رفت اشخاص و دولت‌ها در آمریکا

ناخرسندی ایران از عملکرد سازمان‌های بین‌المللی



«رضا نجفی» معاون حقوقی و بین‌المللی وزارت امور خارجه در نمایشگاه دستنورد‌های دستگاه دیپلماسی گفت: یک بخش سیاست خارجی دولت سیزدهم تحت عنوان افزایش همکاری‌های بین‌المللی بود که بخش مهم آن حضور فعال در مجامع بین‌المللی و به خصوص سازمان ملل متحد بود.

وی گفت: انتقاد همیشگی ما به سازمان‌های بین‌المللی این است که دستور کارهای آن به نفع کشورهای مستقل نیست ولی سیاست ما از ابتدا بر این استوار بوده که مندلی خالی در هیچ سازمان بین‌المللی نداشته باشیم تا به بیان دیدگاه و مواضع جمهوری اسلامی ایران بپردازیم.

نجفی افزود: در مجمع عمومی سازمان ملل رئیس شهید و تیم همراه ایشان فعال بود و سخنران‌های ماندگاری را انجام دادند و به ویژه آنجا که تصویر شهید سلیمانی یا قرآن را دست گرفتند؛ ملاقات‌های متعدد وزیر امور خارجه شهید در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد که در خصوص فلسطین هم بسیار تلاش کردند و اقدامات گسترده و مفیدی در مجموع از سوسی هر دو عزیز در مجمع بین‌المللی در این مدت صورت گرفت.
معاون حقوقی و بین‌المللی وزارت امور خارجه تصریح کرد: شهپرور سال گذشته گفتگوسانسی مرتبط با گرد و غبار با سازمان ملل در کشورمان برگزار کردیم و موارد دیگری که نشان می‌دهد در حوزه‌های مختلف با سازمان ملل متحد همکاری‌های زیادی را انجام دادیم.

استراتژیک در ایران توسط گروه کوچکی از مقام‌ها که به صورت نسبی مستقل از نتیجه انتخابات هستند اتخاذ می‌شود، اما این گروه همچنان این نتایج را در تصمیم‌گیری‌های خود مدنظر قرار می‌دهد.

با توجه به عدم قطعیت سیاسی در واشنگتن و هرج و مرج در منطقه امید چندانی وجود ندارد که ایران و آمریکا فضای برای یک توافق جدید در کوتاه مدت داشته باشند، اما آن‌ها باید حداقل تلاش کنند که به سمت رویارویی سوق خواهد داد. ایران همچنان به جهت صدور دستور ترور ژنرال سلیمانی در سال ۲۰۲۰ یک کینه شخصی با ترامپ دارد. ضمن اینکه مقام‌های آمریکایی احتمال می‌دهند که ایران در حال برنامه ریزی برای ترور مقام‌های آمریکایی به تلافی آن ترور باشد.

توسعه جنگ غزه به کل خاورمیانه نیز می‌تواند توانایی پزشکیان برای تعامل سازنده در غرب را تحت شعاع قرار دهد. در صورتی که دشمنی‌های موجود به یک جنگ محرمی عیار بین اسرائیل و حزب الله لبنان تبدیل شود، ایران نیز احتمالاً رفتار غیردوستانه تری با غرب خواهد داشت؛ در حالی که طرفین همین الان هم بر سر ارسال تسلیحات به روسیه، ادامه توسعه توان هسته‌ای و زندانی کرده و تبعیضی‌ها و اتبئاع غربی دارای مشکلات عدیده هستند.

حاصلات این نیروهای حوثی تحت کنترل ایران همچنان به خاک عربستان و امارات را از سر بگیرند و مسیر تعاملی فعلی بین تهران و کشورهای حاشیه خلیج فارس را ممتکوس سازد، روابط ایران و غرب پیچیده‌تر خواهد شد، با این وجود داشتن صداهای بیشتری از حامیان خویشستنداری در نهاد قدرت مجموعاً تحولی مثبت خواهد بود. تصمیمات

شنبه ۲ مرداد ۱۴۰۳ - ۱۷ محرم ۱۴۴۶ - ۱۳ زوئیه ۲۰۲۴ - سال بیست و سوم - شماره ۶۳۴

ویژه

وال استریت ژورنال بررسی کرد

قدرت ناشناخته یمن در دریای سرخ

روزنامه وال استریت ژورنال حمله اخیر پهپادی نیروهای یمنی به سسززمین‌های اشغالی را نشاندهنده شکست سیاست حمایتی واشنگتن از رژیم صهیونیستی دانست و نوشت که انصارالله یمن و حامیانش در برابر غرب به پیروزی دست می‌یابند.

در این مطلب روزنامه وال استریت ژورنال آمده است: تبادل آتش اخیر بین حوثی‌های یمن و اسرائیل صرفاً یک مورد دیگر از تشدید درگیری‌های نظامی در خاورمیانه نبوده و نشان دهنده شکست سیاست مماشات دولت بایدن در مهار حوثی‌ها است.

اسرائیل به تلافی حمله پهپادی ۲۹ تیر یمنی‌ها به نزدیکی کنسولگری آمریکا در تل آویو و کشته شدن یک غیرنظامی و جراحات ۱۰ تن، مخازن نفت و گاز، یک نیروگاه و جرتقیل‌های بندر حدیده یمن را بمباران کرد.

به نوشته این روزنامه، نیروهای یمنی از ۷ اکتبر (۱۵ مهر ۱۴۰۲ و انجام عملیات طوفان الاقصی حماس) تاکنون بیش از ۲۰۰ بار از یمن به سرزمین‌های اشغالی حمله کرده اند؛ هر چند که پدافند اسرائیل موفق به رهگیری بیشتر پهپادها و موشک‌ها شده است. این گروه اعلام کرده که پهپادهایش آنچنان پیشرفته اند که قابل ردیابی توسط رادارهای اسرائیل و رهگیری نیستند.

مقاله وال استریت ژورنال عنوان کرد: دولت بایدن ۹ ماه پیش به اسرائیل اعلام کرده بود که آمریکا با تهدید حوثی‌ها مقابله خواهد کرد تا تل آویو مشغول فلج از خود باشد. اما حمله یمنی‌ها به تل آویو نشان داد که تلاش آمریکا شکست خورده است.

یمنی‌ها مانع از تردد کشتی‌های غربی در دریای سرخ شده‌اند که این امر هزینه هنگفتی را بر سر کت‌ها و مصرف کنندگان سراسر جهان تحمیل کرده است. آنها همچنان به کشتی‌های نیروی دریایی آمریکا که در عملیاتی پرمخاطره مشغول سرنوگنی پهپادها و موشک‌های این گروه‌ند، حمله می‌کنند.

چرا بایدن و فرماندهان نظامی‌اش اقدام بیشتری انجام نمی‌دهند؟ به همان دلیل که به حملات دیگر نیروهای نیابتی تحت حمایت ایران در عراق و سوریه پاسخ ضعیفی داده‌اند.

چرا بایدن و مشاوران سیاسی اش بیم از آن دارند که هرگونه اقدام از سوی آمریکا علیه ایران به عنوان یک حامی سرسختانه‌تر شده و اعتماد کمی که در آن زمان وجود داشت به نحو جدی تضعیف گشته است، البته این صرفاً به دلیل خروج ترامپ از برجام نبوده بلکه برنامه هسته‌ای ایران نیز رشد قابل توجهی داشته و تحریم‌ها تشدید شده است. تصور رسیدن به توافق هسته ای، امروز دشوارتر از سال ۲۰۱۵ است. مواضع طرف‌ها سرسختانه‌تر شده و اعتماد کمی که در آن زمان وجود داشت به نحو جدی تضعیف گشته است، البته این صرفاً به دلیل خروج ترامپ از برجام نبوده بلکه برنامه هسته‌ای ایران نیز رشد قابل توجهی داشته و تحریم‌ها تشدید شده است.

از سوی سربیی‌ها در توانایی پزشکیان برای دستیابی به یک توافق تریزید دارند و از سوی دیگر تهران به ایالات متحده به ویژه برای همریستی مسالمت آمیز با جمهوری اسلامی

یسا توجهی لغو مؤثر و پایدار تحریم‌ها خوش بین نیست. تجربه‌های ساعت به سرعت در حال حرکت غرب و این در حالی است که قطعنامه شورای امنیت که مشروعیت حقوقی به برجام بخشید قرار است در اکتبر ۲۰۲۵ منقضی شود و این‌سبب غرب را از یک اهرم فشار مهم علیه ایران یعنی توانایی فعال کردن مکانیزم ماشه و بازگشت تحریم‌ها محروم می‌کند.کنند.

دیپلماسی فرهنگی

تأثیر جریان گردشگری

بر تقویت روابط ایران و آسیای مرکزی

«علی صاعنی» در یادداشتی برای ایراس می‌نویسد؛ امروزه صنعت توریسم و گردشگری به یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های کشورها تبدیل شده است که می‌توان آن را از جهات مختلف مورد بررسی قرار داد. به‌طور مثال از دیدگاه اقتصادی باعث رونق مشاغل و کسبوکارها و ورود سرمایه شده است، از دیدگاه فرهنگی و اجتماعی باعث تعامل، پیوند و نزدیک شدن فرهنگ‌ها می‌شود و از دیدگاه سیاسی، عامل برقراری روابط خوب میان کشورهاست. حوزهٔ کشورهای آسیای مرکزی به دلیل اشتراک‌های فرهنگی، تاریخی و تمدنی از دیرباز مورد توجه ایران بوده و از حیث گردشگری حائز اهمیت بسیاری است. با این حال جریان گردشگری آن طوطر که منطبق بر این ظرفیت‌ها باشد تاکنون شکل نگرفته است. از این منظر در این گزارش نقش صنعت گردشگری بر تقویت روابط ایران و آسیای مرکزی مورد بررسی قرار گرفته است.

وضعیت کنونی جریان گردشگری

بین ایران و آسیای مرکزی

هر دو منطقهٔ ایران و آسیای مرکزی دارای ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های گوناگون گردشگری در زمینه‌های تاریخی، تفریحی، فرهنگی، طبیعی، پزشکی و… هستند و برای بهره‌مندی بیشتر از مواهب صنعت گردشگری به دنبال توسعهٔ زیرساخت‌های خود و تبلیغات برای جذب گردشگران بیشتر هستند. اما تمرکز هرکدام از این کشورها برای جذب گردشگران متفاوت است. به‌طور مثال قرقیزستان و قزاقستان بیشتر روی جذب گردشگر در حوزهٔ اکوتوریسم و طبیعتگردی تمرکز کرده‌اند و در ازبکستان، تاجیکستان، حوزهٔ گردشگری تاریخی و فرهنگی مورد توجه است. اما به نظر می‌رسد که گردشگران ایرانی هنوز با ظرفیت‌های گردشگری در حوزهٔ کشورهای آسیای مرکزی آشنا نیستند و از جاذبه‌ها و امکانات گردشگری این کشورها بی‌خبر هستند و به همین دلیل برای سفرهایی با اهداف گردشگری، جذب حوزه‌ها و کشورهای بعضاً متخاصم و یا دارای تضاد منافع ملی با ایران می‌شوند. نکتهٔ مهم دیگر این است که آیا حوزهٔ گردشگری و صنعت توریسم در توسعهٔ گریز میان ایران و کشورهای منطقهٔ آسیای مرکزی تأثیر خواهد گذاشت یا خیر؟

بیشتر گردشگران خارجی کشورهای آسیای مرکزی از مبدأ روسیه به این کشورها می‌آیند، آن‌هم به دلیل نزدیک و ارزان بودن و همچنین رواج زبان روسی در این مناطق. گردشگری درون منطقهٔ آسیای مرکزی نیز بخش دیگر پتانسیل بازار گردشگری این کشورهاست. این وضعیت بیشتر به علت وابستگی متقابل این کشورها به دلیل سیاست‌های دورهٔ شوروی بوده و البته مواردی همچون دیدار اقوام، دیدار دوری از این دست را نیز شامل می‌شود. البته کشورهای آسیای مرکزی سخت به دنبال انگلیسی زبان هستند. در ایران نیز بیشتر گردشگران از مبدأ کشورهای غربی نظیر عراق و همچنین سایر کشورهای همسایه مانند افغانستان، پاکستان و آذربایجان وارد کشور می‌شوند که گردشگری زبارتی و تجارت منطقه‌ای از اصلی‌ترین دلایل ورود گردشگران به ایران هستند

در میان کشورهای آسیای مرکزی قزاقستان با بیشترین بازدیدکننده، حدود ۸۰۶ میلیون نفر گردشگر دارد. پس از قزاقستان، ازبکستان با حدود ۶۶ میلیون نفر، قرقیزستان با حدود ۳۰۲ میلیون و تاجیکستان با حدود ۱۰۴ میلیون نفر گردشگر قرار دارند. ترکمنستان با حدود ۲ هزار نفر، کمترین آمار گردشگران در کل آسیای مرکزی را به خود اختصاص داده است.

^[1] به نوشته این روزنامه، نیروهای یمنی از ۷ اکتبر (۱۵ مهر ۱۴۰۲ و انجام عملیات طوفان الاقصی حماس) تاکنون بیش از ۲۰۰ بار از یمن به سرزمین‌های اشغالی حمله کرده اند؛ هر چند که پدافند اسرائیل موفق به رهگیری بیشتر پهپادها و موشک‌ها شده است

^[2] به نوشته این روزنامه، نیروهای یمنی از ۷ اکتبر (۱۵ مهر ۱۴۰۲ و انجام عملیات طوفان الاقصی حماس) تاکنون بیش از ۲۰۰ بار از یمن به سرزمین‌های اشغالی حمله کرده اند؛ هر چند که پدافند اسرائیل موفق به رهگیری بیشتر پهپادها و موشک‌های این گروه‌ند، حمله می‌کنند